

۱۵۶سال پیش، اداره بهداشت تأسیس شد تا پایانی باشد بر مرگ‌های واگیردار مردم شهر

«حفظ الصحه»؛ حافظ سلامت بود

روز جهانی بهداشت

سیده‌نعمه زینبی سال ۱۲۴۷خورشیدی در اوج افول بهداشت و همه‌گیری بیماری‌های واگیردار مانند طاعون، وبا، آبله، حصه و دیفتری دکتر تولوزان فرانسوی، پژوهشگر برجسته بیماری‌های واگیردار، به ایران آمد تا حضورش آغازی باشد بر مجلس حفظ‌الصحه ایران که نسخه اولیه سازمان بهداشت بوده است. با این همه مجلس حفظ‌الصحه در ابتدای‌دون بودجه بود وهمین مسئله سنگ بزرگی شد تا برنامه‌های آن به‌خوبی پیش نرود و نشست‌هایش به مدت طولانی برگزار نشود.
چهل سال طول کشید تا این مجلس برای خودش جایی در دولت پیدا کرد و بودجه‌ای برای آن اختصاص یافت. سال ۱۲۸۹خورشیدی، نقطه عطفی در تاریخ بهداشت ایران است. در این سال نماینده‌های دوره دوم مجلس شورای ملی به پیشنهاد دکتر امیراعلم مقرر کردند، از مالیات انتقال پیکر مردگان به زیارتگاه‌های عراق، تومانی یک‌قران دراختیار مجلس حفظ‌الصحه دولتی قرار بگیرد تا هزینه‌های بهداشتی برای مردم رایگان بشود. سریل الگود، پزشک سفارت انگلستان، می‌گوید: «در آن سال برای نخستین بار شورا برای اقدامات مربوط به صحت عمومی، دارای بودجه مخصوص خود گردید و دیگر از صورت یک هیئت خشک‌وخالی مشورتی بیرون آمد».
مجلس حفظ‌الصحه در سال‌های بعد به مشهد هم آمد و در ارتقای بهداشت این شهر نیز نقش اساسی داشت. به‌مناسبت روزی که در تقویم روز بهداشت شده است، به‌سراغ تاریخ شکل‌گیری نخستین اداره بهداشت مشهد و ماجراهایش رفته‌ایم.



اتاق تعلیم اداره صحتیه در دوره قاجار

حافظ‌الصحه مشهد بود که بدون اکراه و احتراز بر سر بالین هر غنی و فقیر و برنا و پیر می‌شافت و در کار مداوا و معالجه مرضی هیچ ته‌اون(اهمال) نمی‌کرد».
و آیدزدک‌های خوب و غیره از خارج بدین انجمن وارد نمودند».
حدود سال ۱۲۳۵قمری نیز مجلس حفظ‌الصحه دولتی برای آبله‌کوبی در ایالات وولایات، کمیسوین‌هایی را تشکیل می‌دهد و دستورالعمل‌کار را برای آن‌ها صادر می‌کند. در مشهد، دکتر هوفمان، طبیب روسی و دکتر فتحعلی‌خان، نماینده حکومت، برای این کار انتخاب می‌شوند. این کمیسوین‌ها باید روستاها و شهرهای کوچک را بررسی می‌کردند و برای اجرای سریع آبله‌کوبی، پیشنهادهایی به مجلس حفظ‌الصحه می‌دادند. طبیب‌های سیار، ظرف سه ماه از شهری به شهر دیگر می‌رفتند و همه اطفال را رایگان آبله می‌کوبیدند و گزارش آن‌را به مرکزی می‌دادند. مجلس حفظ‌الصحه مبلغ بیست تومان را به‌عنوان حق‌وش برای این طبیبان درنظر گرفته بود.

در سال ۱۳۲۷قمری نیز مرض حصه در شهر شایع می‌شود که کمیسوین حفظ‌الصحه تلاش می‌کند از گسترش آن پیشگیری کند؛ به‌همین دلیل، دفن‌اموات در شهر را ممنوع و در خارج شهر، محلی برای دفن آن‌ها معین می‌کند. در این زمان، لقمان‌الملک مأمور صحنه خراسان است که در همین سال نیز به ریاست صحنه بروجرد می‌رسد و خراسان را ترک می‌کند.

- بیماری‌های واگیردار| خدا حافظ

در سال ۱۳۳۷امیراعلم رئیس حفظ‌الصحه کشور در کمیسوین خراسان سخنرانی می‌کند. طبق اظهارات خودش، او یک سال در مشهد اقامت داشته و این مجلس برای خداحافظی او از این شهر و عزیمت به سوی تهران برگزار شده است. امیراعلم از تلاش انجمن حفظ‌الصحه برای پیشگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار خبر می‌دهد و سپس درباره آنفلوآنزای اسپانیایی که آن زمان در دنیا شیوع یافته است و در مدتی اندک میلیون‌ها آدم را کشته است، حرف می‌زند و از تلفات ناچیز مشهد نسبت به شهرهای مرکزی ایران و جلوگیری از سرایت و توسعه وبا در سرحدات با بودجه ۳ هزار و ۶۰۰تومانی سخن به میان می‌آورد؛ البته این بودجه، کفاف حقوق امور صحنه خراسان را نمی‌دهد و کارکنان و مأموران این ایالت، چند ماه را بدون حقوق می‌گذرانند. او حتی به عملکرد ضعیف کمیسوین صحنی در مشهد در سال‌های پیش از ریاست خودش اشاره می‌کند و می‌گوید با داشتن بودجه کافی، عملکرد خوبی از خود به جای نگذاشته‌اند و سپس ادامه می‌دهد، «برای تأمین آتیه امور صحنه خراسان، پیشنهاد شما را در احضار ۱۰ نفر طبیب دیپلمه از طهران، تصویب و امر فرمودند که امروز در تربت، سبزوار، تربتیز، قوچان، بجنورد و درجز، اطبای رسمی بلدی دارید».



- از پوشاندن قنات‌ها تا نظیف حمام‌ها

امیراعلم در ادامه همان سخنرانی اتفاق‌ها و پیشنهادهای امور صحنه‌ارض اقدس رامروزی کندکه اکنون کمک زیادی به ما می‌کند تا نقش این کمیسوین

- قانون منع طبابت برای همه!

از آن جلسه مشورتی که نام حفظ‌الصحه را یک می‌کشید، تا سال‌ها درمیان اسناد مشهد خبری نیست. اگر به‌سراغ مطبوعات قاجاری هم برویم، در سال‌های نخست که اخبار مهم خراسان فقط در مطبوعات تهرانی به چاپ می‌رسید، خبرهای پراکنده‌ای در این باره منتشر شده است. از سوی دیگر، «ادب» به‌عنوان نخستین روزنامه خراسان سال ۱۳۱۸هجری به چاپ رسید و این یعنی فاصله زمانی سی‌وسه‌ساله با نخستین مجلس حفظ‌الصحه ایران دارد و این وسط اتفاقات ریزودرشت مرتبط با این حوزه در هزارتوی زمان گم شده است.

با این همه، ۲ شعبان ۱۲۹۴ قمری روزنامه سراسری ایران می‌نویسد: «میرزا مصطفی حکیم‌باشی و طبیب حافظ‌الصحه مملکت خراسان که سال‌هاست برای امور حفظ صحنه و معالجه عموم رعایا مأمور و مقیم مشهد مقدس می‌باشد، سنگ مثانه دختر را با عدم اسباب درآورده، ولی خیلی به زحمت». این خبر نشان می‌دهد حافظ‌الصحه از سال‌ها پیش از این در مشهد حاضر بوده است. همچنین در جراید، ۲۰ شعبان سال ۱۳۰۲ درباره چگونگی عملکرد حفظ‌الصحه نوشته‌اند: «سابقا اشخاص مختلف نیازموده غیرمجبرب به شغل طبابت و جراحی و کحالی اشتغال داشتند، ایالت جلیله همه را ممنوع از این شغل و درضمن ترتیب دارالشفای مبارکه، برای مجلس حافظ‌الصحه، رئیس و اجرای حاقق مرتب و معین نموده که هفته‌ای دو روز حاضر شده، از رؤس مسائل طبیبیه گفت‌وگو نمایند و هرکس بعد از اخبار و امتحان در مجلس حافظ‌الصحه و با اجازه وامضانهای از این مجلس، اشتغال به معالجه و طبابت نماید».



- دکتر حسن‌خان؛ طبیب حافظ‌الصحه

باتوجه به خبر روزنامه ایران در سال ۱۲۹۴در یاراگراف قبلی و اطلاعات سالنامه ایران در سال ۱۲۹۵ به نظر می‌رسد که دکتر حسن‌خان نخستین پزشکی بوده است که در این نقش در ایالت خراسان مشغول به کار شده و تا سالیان سال این جایگاه را حفظ کرده است. در سالنامه ایران که از سال ۱۲۹۵ به چاپ می‌رسیده است، افرادی که در خراسان برای خود مقام وشوکتی داشته‌اند، فهرست شده‌اند. در این معرفی‌نامه از محمد حسن‌خان حافظ‌الصحه:از طرف ایالت خراسان حافظ‌الصحه در ارض اقدس نام برده شده است. در این سیاهه، میرزا اسماعیل نیز حافظ‌الصحه سبزوار بوده است. این‌ها نام در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ حتی در سال ۱۳۱۱ تکرار می‌شود. در سال ۱۳۱۴ نیز ردونشان دکتر حسن‌خان یافت می‌شود؛ زمانی که ناخوشی طاعون هندوستان به بعضی نقاط افغانستان که مجاورت دارد، سرایت می‌کند. در این زمان برای احتیاط میرزا عبدالرحیم‌خان دکتر و محمد حسن‌خان حافظ‌الصحه:از طرف ایالت خراسان مأمور می‌شوند به مرزهای شرقی خراسان بروند و آن بخش‌را قرنطینه‌کنند؛ طبیبی که در یکی دیگر از اخبار مربوط به درمان و قرنطینه بیماران مسری درباره‌اش چنین می‌گویند: «محمد حسن‌خان، طبیب کاشانی،

نمونه ای از برگه واکسیناسیون آبله‌کوبی



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدوسی وسوم)

سرگذشت شکل گرفتن مدارس علمیه مشهد (بخش چهارم)



مرضیه ترابی‌ا روایت ما درباره تاریخ شکل گرفتن مدارس علمیه در شهر مشهد به آنجا رسید که گفتیم در قرن چهارم هجری، براساس شواهد موجود، مدارس علمیه مهمی در توس، به‌ویژه در تابران و مشهد فعال بود که علمایی مانند شیخ الطائفه طوسی (درگذشته به سال ۴۶۰ قمری) در آن تربیت شدند. با وجود آنکه اطلاعات ما درباره فعالیت مدارس علمیه در مشهد طی این دوره بسیار ناقص است، می‌توان با استناد به این شواهد، از رونق فراگیری علوم دینی به‌ویژه در اطراف حرم مطهر رضوی صحبت کرد. در دوره‌های بعد نیز، مشهد همچنان میزبان مدارس علمیه بود. گزارش‌هایی درباره برگزاری محافل درسی در محدوده آن زمان حرم رضوی وجود دارد و چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، این محافل درسی تنها به شیعیان اختصاص نداشت و اهل سنت نیز، از فضای آموزشی و معنوی در اطراف حرم رضوی بهره می‌بردند. در دوره سلجوقی، با گسترش تعصبات مذهبی و درگیری‌های عقیدتی، وضعیت اندکی دشوار شد، اما باعث تعطیلی مدارس فعال در اطراف مشهد نشد. خواجه نظام الملک طوسی، مشهورترین دولتمرد عصر سلجوقی، خود از خطه توس و طاهرا از ارادتمندان ثامن الحجج^ع بود وباوجود دشمنی آشکار باشیعیان اسماعیلی، کمتر برای شیعیان اثنی‌عشری مزاحمت ایجاد می‌کرد. خواجه معتقد به زیارت حرم رضوی بود و حتی نقل است که پیش از به قدرت رساندن ملکشاه، مقتدرترین فرمانروای دودمان سلجوقی، شبی را با او در روضه منوره به صبح رساند تا ملکشاه را از نظر روحی آماده پذیرش شرایط سیاسی و عزم وی را برای کسب قدرت، تقویت کند. خواجه در مشهد، اقدام به ساخت کاروان‌سراییی برای اقامت زائران کرد، اما شواهدی از اقدام وی برای تأسیس مدرسه در مشهد وجود ندارد. این فقدان سند، کمی عجیب به نظر می‌رسد؛ زیرا خواجه نظام‌الملک اهتمام فراوانی به تأسیس مدارس مذهبی داشت و مدارس نظامیه او، در زمره مشهورترین دانشگاه‌های آن عصر محسوب می‌شد. به‌هرحال با گذر از دوران خواجه و ملکشاه، عصر درگیری‌های درون‌خاندانی سلجوقی آغاز شد و از سوی دیگر، با هجوم گسترده «غزها» به خراسان، مجالی برای توسعه عمرانی در مشهد، حتی ساخت‌وساز مدارس علمیه، باقی نماند؛ هرچند مشهد توانست موقعیت علمی خود را با حضور افرادی مانند فضل‌بن حسن طبرسی (درگذشته به سال ۵۴۸قمری)، مفسر بزرگ و مشهور به «امین‌الاسلام»، حفظ کند. مشهور است که طبرسی کتاب مشهور خود، یعنی تفسیر «مجمع‌البیان» را در مشهد به رشته تحریر درآورده است. حضور چنین دانشمندی در مشهد، بدون تردید اسباب تمرکز طلاب علوم دینی، به‌ویژه طلاب شیعه را در این شهر فراهم می‌کرد. با این حال دوران حضور طبرسی و رونق مدارس علمیه شیعه در مشهد، چندان دوام نیاورد. سیاست‌های مذهبی سلجوقیان و تضاد شدید آن‌ها با شیعیان اسماعیلی که حکومتی در قلمرو سلجوقی تشکیل داده‌واز فراز قلعه‌های مستحکم خود خواب را بر امرای این دودمان حرام کرده بودند، دامن شیعیان اثنی‌عشری را هم گرفت و حتی باعث بروز نزاع‌های مذهبی شد. روز دهم محرم سال ۵۱۰ قمری (عاشورا)، درگیری کلامی میان یکی از علمای اهل سنت ساکن تابران با عالمی شیعه که ساکن مشهد بود، باعث نزاع شدیدی میان اهالی تابران و مشهد شد و کشتار وسیعی در جوار حرم رضوی رخ داد. چنین وضعیتی باعث شد دانشمندی مانند طبرسی، مشهد را به مقصد بیهق ترک کند و بخشی از عمر خود را در این شهر که جمعیت درخروملاحظه‌ای از شیعیان داشت، بگذراند. این مسئله بدون تردید بر روی وضعیت مدارس علمیه مشهد نیز، تأثیرگذار بود و باعث از رونق افتادن موقتی آن‌ها شد.

ادامه دارد...

مشاغل قدیمی

فراش آستانه جانان بودن

سعيدة ساجدی‌نیا |مشهد به دلیل وجود مزار مطهر حضرت رضا^عا در قدیم یک شهر مذهبی و دارای احترام بوده است. پرواضح است که وجود این موهبت، سبب ایجاد تفاوت‌هایی در این شهر با سایر ولایات ایران می‌شده است. یکی از این تفاوت‌ها، وجود مشاغلی در آن بوده که در دیگر شهرها و آبادی‌ها اصلا نبوده یا کمتر دیده می‌شده است؛ البته مشاغلی نیز وجود داشتند که علاوه بر ارض اقدس در همه نقاط ایران یافت می‌شدند. در سطرهای بعدی، چند نوع از این مشاغل را معرفی می‌کنیم.

- فراش آستانه

فراش آستانه، نام شغلی آن دسته از خدمتگزاران بود که صحن‌های حرم مطهر را پاکیزه نگه می‌داشتند و در مواقع ایزحام، از بروز حوادث ناگوار پیشگیری می‌کردند. این صنف از خدمتگزاران در بیرون حرم رضوی، وظیفه انتظامات و اجرائیات را برعهده داشتند و به نام فراش آستانه‌موجب بگير بودند. فراش‌ها به‌نوعی محافظ ونظافت‌چی بودند.

- فیروزه‌تراش

فیروزه یکی ازسنگ‌های گران‌بهای زینتی بود که به‌صورت رگه‌هایی از ریگ‌وشن‌های به‌هم چسپیده‌یازنگ‌ایی آسمانی‌از معدن فیروزه‌نیشابور استخراج می‌شد.سنگ‌های حاوی رگه‌های فیروزه‌را پس از استخراج، در کيسه‌های یک اندازه ویک‌شکل می‌ریختند. فیروزه‌تراش‌ها این کيسه‌ها را شاسنی می‌خريدند و با قلم و پتک، سنگ‌ها را به قطعه‌های کوچک تقسیم می‌کروند، وکنه‌های فیروزه را پس از آزمایش و تراشیدن، از دل سنگ بیرون می‌آورند.

- ساربان

به کسی که تیمار و به‌کارگیری و رهبری شتران را برعهده داشت، ساربان یا شتربان می‌گفتند. وظیفه ساربان این بود که شتران را درصورت لزوم بنشانند، برخیزانند، به دهانشان نواله بگذارد و آب و علیق بدهد. در پشتشان جهاز بنهد و بندهایشان را محکم ببندد، زنگوله‌ها را به گردنشان بیاویزند، و دلنگ بار را به دو طرف جهاز یکایک آن‌ها تکیه دهد و با ریسمان محکم ببندد.

شهریار

اشتباه نشود
۲۷ فروردین ۱۳۹۲
شماره ۳۱۸

۱۵



تاریخ و هویت

اتاق تعلیم اداره صحتیه در دوره قاجار

- مشکلات حفظ‌الصحه

دکتر امیراعلم از مشهد می‌رود و هیئتی او را تا بحرآباد مشایعت می‌کنند و سپس با نقلی آتشین صدراطلا، از او جدا می‌شوند. اما پس از او نیز آثار فعالیت و کمیسوین حفظ‌الصحه ادامه پیدا می‌کند. در ۲۹رجب سال ۱۳۳۷قمری روزنامه رعد می‌نویسد: «برحسب پیشنهاد کمیسوین حفظ‌الصحه و امر ایالت، شش باب از دواخانه‌های رسمی و مجاز در هفته یک شب تا صبح مفتوح هستند و به‌نوبت کشیک می‌دهند که رفع احتیاج عمومی در موقع ضرورت بنماید. همچنین به لطف کمیسوین، دکتر سیدمصطفی‌خان با حقوق ماهی شصت تومان از محل عایدات نواقل و ذیابج استخدام می‌شود تا در محلات نوغان و پایین‌خیابان، مطب خصوصی باز کند تا این بخش‌از شهرهم از خدمات پزشکی محروم نماند».
جالب است بدانید کمیسوین حفظ‌الصحه نخستین بار پیشنهاد می‌کند که پزشکان در نسخه‌های خود تاریخ‌معین بگذارند و دواخانه‌هاهم نسخه‌بدون تاریخ‌ننچینند. این کمیسوین تلاش می‌کند در مسیر ارتقای فرهنگ بهداشت و سلامت مردم‌گام بردارد و به‌همین دلیل اوراق (اعلان) و دستورنامه‌هایی در شهر و ولایات خراسان منتشر می‌کند که اهالی را به رعایت بهداشت فردی و اجتماعی توصیه می‌کند. درست است که حضور کمیسوین شروع خوبی برای ارتقا دادن سطح بهداشت و سلامتی در مشهد بود، ولی بازهم ایرادهایی در کار بود. اخبار آن زمان نشان می‌دهد نیرداختن حقوق اطبایی که این کمیسوین تعیین می‌کند تا در خراسان و ولایات آن طبابت کنند، یکی ازحواشی این ماجراست. یکی‌ازمخبران روزنامه‌رعد چنین می‌نویسد: «اوضاع صحنی شهر مشهد ولایات با وجود کمیسوین حفظ‌الصحه ایالتی و اطبایی معینه‌که مأمورولایات شده‌اند، باز چندان رضایت‌بخش نیست. در این موضوع، تقصیری به‌اعضای کمیسوین نمی‌شود متوجه نمود؛ زیرا که کمیسوین حفظ‌الصحه برای شهر مشهد و ولایات، اطبایی معین و مشغول داشته است، ولی به‌واسطه عدم وصول حقوق آن‌ها که بعضی یک سال و بعضی قریب شش ماه است، طلبکار هستند، نه کمیسوین تحکماتی به آن‌ها می‌تواند بنماید و آن‌ها را مسئول قرار دهد و نه اطبایی مزبور به‌لگرم برای انجام امور مرجوعه و تقدیم پیشنهادات لازمه هستند».

تکنه، تصویر کار شده در متن گزارش مربوط به آبله‌کوبی در دوره قاجار است

منابع:
جلدیک‌تا شش‌اخبار خراسان در دوره قاجار اثر سید مهدی سید قطبی، نقش‌دکتر امیراعلم در پیشرفت بهداشت آموزش پزشکی نوین در ایران تألیف حسن‌سالاری، اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران،